

سیمای نماز

هر چه برای نماز گفته و نوشته شود حق آن ادا نمی‌شود و چگونه ممکن است عمود دین و پرچم اسلام و یادگار ادیان و انبیا و محور قبول همه اعمال در چند جمله بیان شود؟

نماز، برنامه هر صبح و شام است بهنگام صبح اولین کلام واجب نماز و بهنگام شام آخرین واجب، نماز است. پس آغاز و انجام هر روزت با یاد خدا و برای خدا است.

نماز در سفر یا وطن، در زمین یا هوا، در فقر یا غنی، رمز آنست که در هر کجا هستی و هر که هستی مطیع او باشی نه غیر او.

نماز، ایدئولوژی عملی مسلمان است که در آن عقائد و افکار و خواسته‌ها و الگوهای خود را بیان می‌کند.

نماز، استحکام بخشیدن به ارزشها و جلوگیری از فروپاشی شخصیت افراد و اعضای جامعه است که اگر مصالح ساختمان سست باشد ساختمان فرو می‌ریزد.

اذان نماز، شیپور توحید است که سپاه متفرق اسلام را در یک صف و زیر یک پرچم فرا می‌خواند و آنان را پشت سر امامی عادل قرار می‌دهد.

امام جماعت یکی است تا رمز این باشد که امام جامعه نیز باید یکی باشد تا اداره امور متمرکز باشد.

امام جماعت باید مراعات ضعیف‌ترین مردم را بکند و این درس است که در تصمیم‌گیری‌های جامعه مراعات طبقه محروم را بکنید. پیامبر خدا بهنگام نماز صدای گریه طفلی را شنید نماز را به سرعت تمام کرد تا اگر مادر طفل در نماز شرکت کرده کودکش را آرام کند! (۵۲)

اولین فرمان بدنبال آفرینش انسان، فرمان سجده بود که به فرشتگان فرمود: برای آدم سجده کنید. (۵۳)

اولین نقطه زمین (مکه و کعبه) که از زیر آب بیرون آمد و خشکی شد مکان عبادت بود. (۵۴)

اولین کار رسول خدا پس از هجرت به مدینه ساختن مسجد بود.

نماز هم انجام معروف است هم نهی از منکر. هر روز در اذان و اقامه می‌گوییم «حیّ علی الصلوة حیّ علی الفلاح حیّ علی خیر العمل» که همه امر به بالاترین معروف‌ها یعنی نماز است. از سوی دیگر نماز انسان را از فساد و فحشا بازمی‌دارد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (۵۵)

نماز، حرکاتی است برخاسته از آگاهی و شناخت. شناخت خداوند که به فرمان او و برای او و اُنس با او قیام می‌کنیم و لذا قرآن ما را از نماز در حال مستی (۵۶) و کسالت (۵۷) نهی کرده است تا آنچه را در نماز می‌گوییم با توجه و آگاهی باشد.

نماز، آگاهی‌بخش است. هر هفته روزهای جمعه نماز جمعه برپا می‌شود و قبل از نماز دو خطبه خوانده می‌شود. این دو خطبه بجای دو رکعت از نماز و به عبارتی جزئی از نماز است. خطبه‌هایی که به فرموده امام رضا علیه السلام باید مردم را از تمام مسائل جهان آگاه کند.

شنیدن خطبه‌ها و انگاه نماز خواندن یعنی آگاه شدن و بعد نماز خواندن.

نماز خروج از خود و پرواز بسوی خداست و قرآن می‌فرماید:

«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (۵۸) هرکس از خانه‌اش

به قصد هجرت بسوی خدا و رسولش خارج شود و سپس مرگ او را دریابد پاداشش بر خداست.

امام خمینی می‌فرماید: هجرت از خانه دل بسوی خدا، یکی از مصادیق آیه است، هجرت از

خودپسندی و خودخواهی و خودبینی به سوی خداپرستی و خداخواهی و خدایبینی بزرگ‌ترین

هجرت‌هاست. (۵۹)

نماز به منزله اسم اعظم الهی بلکه خود اسم اعظم است.

در نماز، عزت ربّ و ذلت عبد مطرح است که این دو مقام بس عالی است.

نماز پرچم اسلام است. «عَلَّمَ الْإِسْلَامَ الْصَّلَاةَ» (۶۰)

همانگونه که پرچم نشانه است، نماز نیز نشانه و علامت مسلمانی است. چنانکه پرچم مورد

احترام است و اهانت به آن، اهانت به یک ملت و کشور است، اهانت و بی‌توجهی به نماز نیز

بی‌توجهی به کلّ دین است. چنانکه برپا بودن پرچم نشانه حیات سیاسی و نظامی و قدرت است.

در برپا بودن نماز نیز این امور مطرح است.

نماز و قرآن

در مواردی قرآن و نماز در کنار هم آمده‌اند، مانند:

«يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (۶۱)

قرآن تلاوت می‌کنند و نماز به پای می‌دارند.

و یا در جای دیگر می‌فرماید: «يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» (۶۲) به قرآن تمسک می‌جویند و نماز به پای می‌دارند.

گاهی برای نماز و قرآن، یک صفت آورده شده، چنانکه کلمه ذکر هم به قرآن گفته شده است: «إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّلْنَا الذِّكْرَ» (۶۳) ما ذکر را نازل کردیم. و هم فلسفه نماز شمرده شده است: «أَقِمِ

الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (۶۴) نماز را بخاطر یاد من به پای دار.

جالب آنکه گاهی بجای کلمه نماز کلمه قرآن آمده است، مانند آیه «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (۶۵) که گفته‌اند مراد از قرآن الفجر، نماز صبح است.

بگذریم که خواندن قرآن بصورت حمد و سوره، یکی از واجبات نماز است و بحث نماز در اکثر سوره‌های قرآن، هم در بزرگ‌ترین سوره (بقره) و هم در کوچک‌ترین سوره‌ها (کوثر) آمده است.

نماز و قصاص!

نه تنها در اسلام، بلکه در همه ادیان الهی قانون قصاص مطرح است که طبق آن کیفر کسیکه گوش قطع کند آنست که گوشش بریده شود و کیفر کسی که دندان بشکند آنست که دندانش

شکسته شود تا عدالت اجرا شود. یکی از موارد قصاص انست که دست دزد باید قطع شود، ولی فقط چهار انگشت او، و کف دست باقی می ماند. زیرا قرآن می گوید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» (۶۶) محلّ سجده برای خداست.

چون انسان هنگام سجده باید کف دست خود را بر زمین گذارد لذا در کیفر سارق باید به مسأله نماز و سجده توجه داشت و کف دست او را قطع نکرد تا حقّ عبادت حتی برای سارق هم محفوظ بماند!

نمازهای مشکل گشا

اسلام سفارش می کند هرگاه حاجت یا مشکلی داشتید، با خواندن نمازهایی مخصوص حلّ مشکل خود را از خدا بخواهید، که مناسب است در اینجا یک نمونه از آن نمازها را بیاوریم. نماز جعفر طیار

جعفر طیار برادر حضرت علی علیه السلام است که در هجرت به حبشه توانست با استدلال و رفتار مناسب خود دل نجاشی و عدّه کثیری را به اسلام جذب کند و مؤسس اسلام در قاره آفریقا شود. او در جنگ موته دو دستش را در راه خدا داد و خداوند بجای آن دو بال در بهشت به او داد و لذا به جعفر طیار مشهور شد. هنگامی که جعفر از حبشه بازگشت، پیامبر صلی الله علیه وآله به او فرمود: آیا می خواهی هدیه با ارزشی به تو عطا کنم؟ مردم گمان کردند که حضرت می خواهد طلا یا نقره ای به او بدهد و لذا هجوم آوردند تا هدیه پیامبر را ببینند. اما پیامبر فرمود: نمازی به تو هدیه می کنم که اگر هر روز آنرا انجام دهی، از دنیا و آنچه در

دنیاست برای تو بهتر باشد و اگر هر روز یا هر جمعه یا هر ماه یا هر سال بجای اوری، خداوند گناهان بین دو نماز را (گرچه یکسال باشد) بیامرزد.

این نماز به سندهای معتبر از شیعه و سنی نقل شده است و نام اکسیر اعظم و کبریت احمر به خود گرفته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگاه مشکل یا حاجتی داشتید پس از خواندن نماز جعفر دعا کنید که انشاءالله مستجاب می شود. نحوه این نماز در اوایل مفاتیح در اعمال روز جمعه پس از ذکر نمازهای امامان معصوم آمده است.

البته این نماز یکی از دهها نماز مستحبی است که برای رفع مشکلات وارد شده است. اخیراً کتابی تحت عنوان نمازهای مستحبی تألیف شده که حدود سیصدوپنجاه نماز مستحبی را با اسم و رسم آورده است و این خود از اهمیت نماز است که اینهمه تنوع دارد و بهر مناسبتی نمازی وارد شده است.

قداست نماز

قداست نماز به قدری است که زمان اجرای بعضی مراسم مانند قسم و ادای شهادت، بعد از نماز قرار داده شده است.

قرآن در سوره مائده آیه ۱۰۶ می فرماید: هرگاه کسی در سفر دچار بیماری شد و در آستانه مرگ قرار گرفت، دو نفر مسلمان و یا غیر مسلمان را بر وصیت خود گواه گیرد، لکن مراسم ادای

شهادت باید پس از نماز باشد، یعنی آن دو نفر پس از ادای نماز حاضر شده و با قسم خوردن شهادت دهند که فلان مسلمان در مسافرت چه وصیت کرده است.

امروزه مرسوم است که مراسم قسم را در حضور قرآن و با دست گذاردن بر قرآن انجام می دهند، اما خود قرآن در این مورد می فرماید: مراسم قسم پس از انجام نماز باشد!

جامعیت نماز

خداوند، هم در آفرینش تکوینی و هم در دستورات تشریحی عالی ترین و کامل ترین برنامه ها را بکار برده است. مثلاً در آفرینش شیر مادر تمام ویتامین هایی را که نوزاد نیاز دارد در شیر مادر جمع کرده است.

اگر به آفرینش انسان نگاه کنیم می بینیم آنچه در طبیعت وجود دارد در وجود انسان نیز قرار داده شده است.

اگر در طبیعت صدای رعد است، در انسان فریاد است.

اگر در طبیعت گیاه و نبات است، در انسان رویش مو است.

اگر در طبیعت رودخانه است، در انسان رگهای ریز و درشت است.

اگر در طبیعت آب شور و شیرین است، در انسان اشک شور و آب دهان شیرین است.

اگر در طبیعت معادن بسیار است، در انسان استعدادهای نهفته فراوان است.

شعری است که به حضرت علی علیه السلام نسبت می دهند که فرمود:

أترعم أنك جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر

ای انسان! تو کمان می کنی جُنه کوچکی هستی، درحالی که جهانی بزرگ در تو نهاده شده است.

نماز نیز یک هنرنمایی الهی است که خداوند تمام ارزشها را به نحوی در آن قرار داده است. چه

کمالی است که برای انسان ارزش باشد اما در نماز یافت نشود؟

یاد خدا، یک ارزش و تنها وسیله آرام بخش دلهاست و نماز یاد خداست. «اللّه اکبر»

یاد قیامت یک ارزش و بازدارنده از گناه و فساد است و نماز یادآور «یوم الدین» است.

در خطّ انبیا و شهدا و صالحان بودن یک ارزش است و ما در نماز از خدا می خواهیم در «صراط

الذین انعمت علیهم» قرار بگیریم.

انزجار و یرأیت خود را از ستم پیشه گان و گمراهان با جمله «غیر المغضوب علیهم ولا الضالین»

اعلام می داریم.

عدالت که در رأس همه ارزشهاست در امام جماعت نماز لازم شمرده شده است.

پیروی از امام جماعت در نماز، یک اصل با ارزش اجتماعی است که بجای خودسری و

تکروی تابع رهبری عادل باشیم.

در انتخاب امام جماعت همواره توجه به ارزشهاست: عادل ترین، فقیه ترین، فصیح ترین،...

ایستادن رو به قبله یادآور ارزشهای بسیاری است، مگه شکنجه گاه بلال، قربانگاه اسماعیل،

زادگاه علی بن ابیطالب، پایگاه قیام مهدی، آزمایشگاه ابراهیم و عبادتگاه تمام انبیا و اولیاست.

در نماز هرچه هست تحرک است، در هر صبح و شام، در رکوع و سجود و قیام، حرکت در

رفتن به مسجد و مصلی، پس ساکن و ساکت و گوشه گیر نباش، بلکه همواره در تلاش و حرکت باش، البتّه در جهت خداوند و بسوی او.

در نماز روح و جان انسان غبارروبی می شود، نماز، غبار غرور و تکبر را می ریزد، چون هر شبانه روز دهها بار بلندترین نقطه بدن را به خاک می مالد. و سجده بر خاک بهتر از سنگ است که تذلل در به خاک مالیدن است.

بر زمین و آنچه از زمین روئیده می شود سجده کن، بشرط آنکه خوردنی نباشد تا به فکر شکم نیفتی!

بر زمین پاک سجده کن که از راه نا پاک نمی توان به پاکی و سرچشمه پاکی ها رسید.

گریه از خوف خدا یک ارزش است و قرآن سجده همراه با گریه را ستایش کرده است: «سُجِّدًا وَ بُكِيًّا» (۸۱)

نماز یک خط الهی است که از هنگام تولد تا لحظه مرگ برای ما ترسیم شده است:

نوزاد که دنیا آمد در گوش راست و چپ او اذان و اقامه بگو که سفارش به نماز می کند، «حیّ

علی الصلوٰه» و بهنگام مرگ نیز او را با خواندن نماز میّت دفن کن. در طول زندگی نیز همواره

در حال عبادت و پرستش خدا باش. «واعْبُدِ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (۸۲)

نماز پیوند انسان با طبیعت است. برای شناخت وقت نمازها خصوصاً صبح و ظهر باید به

خورشید نظر کنی. برای بدست آوردن قبله به ستارگان توجه کنی، برای انجام نمازهای مستحبی

در ایام مبارکه به حرکات ماه دقت کنی. برای غسل و وضو به آب و برای سجده و تیمم به خاک رو آوری.

این ارتباط میان نماز با خورشید و ماه و ستاره و آب و خاک بدست کدام طراح حکیم برنامه ریزی شده است؟

دیگر واجبات دین نیز به نوعی در نماز حضور دارند. نمازگزار همچون روزه دار حق خوردن و آشامیدن و رفع شهوت ندارد. نمازگزار همچون کسی که به حج می رود کعبه قبله و محور کارهای اوست. نمازگزار همچون کسی است که به جهاد می رود، لکن به جهاد اکبر که جهاد با نفس است. نماز خود بالاترین امر به معروف و نهی از منکر است.

هجرت از مهم ترین ارزشهای دین ماست و حضرت ابراهیم بخاطر نماز هجرت کرد و همسر و فرزند خود را در کنار کعبه گذارد و فرمود: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ» (۸۳) پروردگارا! من فرزندانم را در بیابانی خشک ساکن کردم تا نماز اقامه شود. جالب آنکه حضرت ابراهیم نمی گوید: برای برپاداشتن حج هجرت کردم، بلکه می گوید: هدفم از هجرت اقامه نماز بود.

به هر حال خداوند تمام ارزشها را در نماز و با نماز و برای نماز قرار داده است. اگر زینت و نظافت یک ارزش است، اسلام سفارش می کند که: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (۸۴) به هنگام شرکت در مساجد خود را زینت کنید و زینت های خود را برگزینید. با لباس پاکیزه و معطر وارد مسجد شوید.

چنانکه سفارش شده زنان به هنگام نماز، زیورهای خود را همراه داشته باشند و با آنها خود را زینت کنند. (۸۵)

حتی به مسأله مسواک توجه شده و در روایات می خوانیم: نماز با مسواک، هفتاد برابر نماز بدون مسواک است. (۸۶) و فرموده اند قبل از رفتن به مسجد سیر و پیاز نخورید (۸۷) که بوی دهان شما دیگران را اذیت نکند و مردم را از مسجد فراری ندهد.

به هر حال این نماز اسلام است و این نماز ما. نمازی که یا نمی خوانیم، یا غلط می خوانیم، یا بی توجه می خوانیم و یا بدون جماعت و یا در آخر وقت!!

مساجد که زمانی ابراهیم و اسماعیل و زکریا خادمش بودند (۸۸) و مادر مریم نذر می کند فرزندش خادم مسجد باشد، (۸۹) می رسد به جایی که خدامنش غالباً افرادی از کار افتاده و پیر و مریض و فقیر و بی سواد و گاه بد اخلاق هستند! راستی چرا غبارروبی حرم امام رضا علیه السلام افتخار است، اما غبارروبی خانه خدا هیچ!

چرا باید مساجد ما به گونه ای باشد که هر کس وارد می شود غم و اندوه و کسالت او را بگیرد؟ مگر مسجد عزاخانه است و یا مجلس فاتحه خوانی که همواره پارچه سیاه بر در مسجد آویزان باشد؟

البته بحمدالله در چند سال اخیر حرکتی در مساجد پیدا شده و بسیاری از آنها مجهز به کتابخانه و صندوق قرض الحسنه و دیگر امور خدماتی شده اند.

چه زیباست حدیثی که می فرماید: روز قیامت سه چیز از مردم شکایت می کند: عالمی که مردم به او مراجعه نکنند، قرآنی که در منزل باشد اما تلاوت نشود و مسجدی که مورد بی اعتنایی مردم واقع شود. (۹۰)

سخن در باب مسجد بسیار است و اخیراً کتابی تحت عنوان سیمای مسجد در دو جلد تألیف شده است که جایگاه مسجد را در جامعه اسلامی روشن می کند. اما در یک کلام مسجد در صدر اسلام محل اجتماع مسلمین برای تصمیم گیری ها و مشورت ها، برای کسب علم و دانشها، پایگاه رزمندگان و جهادگران، محل رسیدگی به مشکلات فقراء و بیماران، مرکز قیام علیه حکومت های ظالم و ایراد خطابه های تند علیه آنان بوده است. همین جایگاه رفیع مسجد بوده است که در طول تاریخ، مسلمین بهترین معماری ها را در ساخت مساجد خود بکار برده و برای اداره مساجد اموال بسیاری را وقف می کرده اند، تا مساجد همواره آباد و سرپا باشند.

راز نماز در نهج البلاغه

پس از پیغمبر، نخستین کسی که از مردان آن را به پا داشت علی علیه السلام و آنهم در سن نه سالگی بود که در خانه پیغمبر به سر می برد و چون پیغمبر وضو گرفت او نیز وضو گرفت و همین که رسول خدا به نماز ایستاد، آن وجود مقدس هم در آن سن و سال، پشت پیغمبر (ص) خدا ایستاد.

در نماز خم ابروی تو با یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

حافظ

● نخستین نمازگزار

سخن از راز نماز در نهج البلاغه و رابطه این فریضه بزرگ الهی با علی علیه السلام، پیشوای عظیم الشأن ما و گوینده نهج البلاغه است، که یکی از جالبترین مباحث این کتاب با عظمت را تشکیل می‌دهد. نماز، نخستین حکم الهی بود که چند روز پس از بعثت پیغمبر خاتم، حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم توسط جبرئیل امین از جانب خداوند صادر گردید و پیغمبر با تعلیم پیک وحی، آن را معمول داشت. بدین گونه که پیک وحی الهی، جبرئیل امین، چند روز بعد از آن که پیغمبر به مقام نبوت رسید، برای دومین بار بر آن حضرت نازل گردید و آبی از آسمان آورد و طریقه وضو گرفتن و نماز گزاردن و رکوع و سجود را به پیغمبر آموخت.

بنا بر این، نماز این فریضه بزرگ الهی و عالیترین فرمان خداوند عالم که بهترین حالت یک انسان با ایمان و بنده خدا در پیشگاه الهی است، نوبر احکام اسلام است و از همین جا نیز باید قدر آن را دانست و به اهمیت آن پی برد.

نکته جالب توجه اینست که پس از پیغمبر، نخستین کسی که از مردان آن را به پا داشت علی علیه السلام و آنهم در سن نه سالگی بود که در خانه پیغمبر به سر می‌برد و چون پیغمبر وضو گرفت او نیز وضو گرفت و همین که رسول خدا به نماز ایستاد، آن وجود مقدس هم در آن سن

و سال، پشت پیغمبر (ص) خدا ایستاد و در پشت سر علی علیه السلام هم تنها خدیجه بود که به عنوان اولین زن به نماز ایستاد و با پیغمبر (ص) نماز جماعت گزار شدند. و اولین اقامه نماز، هم به جماعت بود، جماعتی این چنین که پیغمبر (ص) در جلو و علی پسر بچه نه ساله در پشت سر آن حضرت و خدیجه، همسر پیغمبر در پشت سر علی (ع). می بینید که علی علیه السلام سراینده نهج البلاغه، چه رابطه‌ای با نماز، این دستور عالی آسمانی دارد که شش سال پیش از بلوغ و قبل از همه، آن هم در پشت سر پیغمبر (ص) و برای نخستین بار به عنوان وظیفه دینی که پیغمبر ختمی مرتبت از جانب خداوند مأمور به انجام آن شده است، آن را معمول داشت.

پس علی علیه السلام نخستین نمازگزار اسلام است

● نماز در نظر علی (ع)

به طوری که دیدیم علی علیه السلام نخستین پیشوای معصوم و امام بر حق ما و نماینده خدا و جانشین بلا فصل حضرت ختمی مرتبت (ص) اولین نمازگزار اسلام است، آنهم شش سال قبل از بلوغ از این رو می باید چنین انسان بی نظیری، رابطه خاصی با نماز بزرگترین فریضه الهی، داشته باشد. علی که در قبله مسلمین متولد شده، و در نه سالگی و به عنوان اولین پیرو اسلام و برای نخستین بار در پشت سر پیغمبر خاتم نماز گزارده، به طور قطع بیش از هر مسلمان دیگری، قدر نماز، نخستین فریضه الهی، را می داند و به آن اهمیت می دهد.

به طوری که نوشته اند، حال علی علیه السلام به هنگام نماز چنان بود که در یکی از جنگهای تیری به پای آن حضرت اصابت کرد و هر چه کردند نتوانستند آن را در آورند. چون خبر به

پیغمبر دادند فرمود بکدارید علی مشغول نماز شود سپس تیر را از پای او در اورید زیرا علی (ع) در آن هنگام، چنان محو تماشای جمال حق است که کاملاً از خود بی خود می شود. چنین کردند و تیر را از پای علی (ع) در آوردند و او متوجه نشد، و زمانی به خود آمد که از نماز فراغت یافته بود، و آن گاه در خود احساس درد کرد:

هر که چیزی دوست دارد جان و دل بروی گمارد

هر که محرابش تو باشی سر ز عشقت بر ندارد

سعدی

همچنین در یکی از شبهای مخوف جنگ صفین «لیلهُ الهریز» که آتش جنگ برافروخته شده بود و از هر سو مانند باران تیر می بارید، دیدند که علی علیه السلام رو به قبله ایستاد و مشغول نماز شد. پس از نماز، پرسیدند یا امیر المؤمنین این چه وقت نماز خواندن بود و علی (ع) فرمود: اصلاً این جنگ برای چیست جز این است که می خواهیم ظلم و فساد را ریشه کن کنیم تا نماز و احکام الهی چنانکه باید، اقامه گردد

خوشا نماز و نیاز کسی که از سردرد

به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

حافظ

● شهید محراب

علی علیه السلام، سراینده نهج البلاغه و قهرمان قهرمانان جهان، شاگرد لایق و تربیت شده پیغمبر اسلام است که فرمود: «نور چشم من نماز است.» علی که در تمام دوران حیات پیغمبر اسلام همچون سایه دنبال رسول خدا بود، چگونه می‌تواند به نماز تا آن حد که معمول می‌داشت، اهمیت ندهد مگر او به تمام معنی مقلد پیغمبر خاتم نبود مگر نه اینست که در نهج البلاغه و در کردارش همه جا پیغمبر (ص) را اسوه و مقتدای خویش قرار می‌دهد، و حاضر نیست سرموئی از گفتار و کردار پیغمبر (ص) تخطی کند آری مولود کعبه و خانه‌زاد خدا و اولین نمازگزار اسلام و قهرمانی که در میدان جنگ و حساسترین لحظات زندگی، نماز را بر هر کار دیگری ترجیح می‌دهد و حاضر نیست لحظه اول وقت آن را که ثوابی چون دریا دارد به تأخیر بیندازد، سرانجام نیز در خانه خدا، مسجد کوفه و در محراب عبادت و به هنگام نماز با شمشیر زهرآلود، ضربت خورد و فرق مقدسش شکافت و با آن ضربت شربت شهادت نوشید.

علی (ع) در آن حالت، یعنی پس از ضربت خوردن، با فرق شکافته فرمود «فزت و ربّ الکعبه» به خدای کعبه که در آن متولد گردیدم و قبله مسلمانان جهان است، از این که می‌بینم در خانه خدا نیز ضربت خوردم و شهید می‌شوم، سرافرازم.

در نماز خم ابروی تو با یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

اری، علی (ع) ان مظهر تقوا و فضیلت، علی، ان انسان ما فوق انسان، ان نمونه اعلاى افرینش، پس از پیغمبر خدا و نمازگزار نخستین اسلام، آغاز کارش در خانه خدا بود، و پایان کارش نیز در خانه خدا به سر رسید. بدین گونه، علی علیه السلام در جهان اسلام نخستین شهید محراب است.

● نهج البلاغه و نماز

امیر المؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه در موارد عدیده‌ای از نماز، این فرمان بزرگ الهی و محبوب مورد علاقه‌اش که برای هیچ عملی بمانند آن ارج نمی‌نهاد، سخن به میان آورده و اهمیت آن را یادآور شده است.

۱- از جمله در آغاز خطبه ۱۹۹ که موضوعات مهم اسلامی را به اصحابش وصیت می‌نماید و نسبت به انجام دادن آن‌ها سفارش می‌کند، می‌فرماید: نماز را چنانکه باید برپا دارید و در حفظ و ادای آن کوشا باشید، و هر چه بیشتر به جا آورید و به وسیله آن به خداوند تقرب جوئید، زیرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: نماز فریضه‌ای است که در وقت معین بر اهل ایمان واجب شده است. آیا پاسخ دوزخیان را نشنیده‌اید که وقتی طبق گفته خداوند در قرآن از آنها می‌پرسند: «چه چیز شما را به دوزخ افکند» می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

نماز، گناهان را مانند ریزش برگ درختان می‌ریزد، و همچون رهایی چهارپایان از بند، انسان را رها می‌سازد. رسول خدا- صلی الله علیه و آله و سلم- نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه

فرمود که بر در خانه مردی باشد و شبانه روز، پنج نوبت از آن شستشو کند، که در این صورت دیگر چرکی در بدن وی باقی نخواهد ماند.

مقام و اهمیت نماز را مردانی از مؤمنین می دانند که زینت کالای دنیا و فرزندی که نور چشم انسان است، و ثروت و دارائی، آنها را به خود مشغول نمی دارد چنانکه خداوند در قرآن مجید فرموده است: مردانی هستند که تجارت و داد و ستد دنیا آنها را از یاد خدا و اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد.

با این که خدا، بهشت را به پیغمبر مژده داده بود از بس نماز می گزارده، خود را به رنج انداخته بود، و در این کار نظر به این آیه شریفه داشت: خانوادهات را فرمان ده نماز بگذارند، و خویشتن نیز بر انجام آن شکیبا باش.

از این رو پیغمبر هم خانواده خود را به انجام این فریضه بزرگ الهی وادار می کرد و خود نیز با بردباری به ادای آن می پرداخت .

۲- در عهدنامه ای که برای محمد بن ابی بکر نوشت و او را روانه مصر نمود تا فرمانروای آنجا باشد، از جمله دستورهای که به او داد فرمود: نماز را در اوقاتی که برای آنها تعیین شده به پای دار و به خاطر این که بی کاری و فرصت و وقت داری، پیش از وقت آن را به جای نیآور، و به بهانه این که کار داری، آن را به تأخیر نینداز و این را بدان که تمام کارهایت پیرو نمازت می باشد .

به طوری که می بینید، مولای متقیان و سرآمد نمازگزاران مسلمین به فرمانکزار جوان خویش محمد بن ابی بکر دستور می دهد که نماز را چه افرادی و چه به جماعت بر هر کار دیگری اعم از شخصی و کشوری و لشکری مقدم بدارد و آن را در اول وقت ادا کند، و حق ندارد به بهانه کار یا گرفتاری آن را به تأخیر بیندازد، یا به دلیل این که کاری ندارد، پیش از وقت انجام دهد. بلکه باید طبق دستور خدا و پیغمبر عمل کند و به میل خود جلو و عقب نیندازد.

۳- نیز در فرمان مشهور مالک اشتر که پس از شهادت محمد بن ابی بکر در مصر او را به فرمانروائی کشور باستانی مصر منصوب داشت و باید آن را جهان بینی علی علیه السلام دانست، می فرماید.

هنگامی که برخاستی و خود را مهیا ساختی تا با مردم نمازگزاری، نماز را چندان طولانی مخوان که مردم را پراکنده سازی و سریع و تند هم مخوان که آن را تباه کنی.

زیرا در میان مردمی که با تو نماز می گزارند، کسانی هستند که علیل و بیمار و ناتوانند، یا گرفتاری و کار دارند. من از پیغمبر - صلی الله علیه و آله - هنگامی که مرا برای تبلیغ اسلام به یمن می فرستاد پرسیدم: چگونه با مردم نماز گزارم پیغمبر (ص) فرمود: با آنها مانند ناتوان ترینشان نماز گزار، و حال مؤمنین را رعایت کن .

۴- در کلمات قصار آن حضرت در اواخر نهج البلاغه، آن پیشوای عالی مقام معصوم و برگزیده خدا، پنج حکم بزرگ الهی را بدین گونه توصیف می کند: نماز وسیله تقرب و نزدیک شدن هر پارسائی به خداست، و حج، جهاد افراد ناتوان است.

هر چیزی زکات دارد و زکات و پاک کردن بدن، روزه گرفتن است. جهاد زن هم خوب شوهر داری کردن می باشد .

۵- در نامه‌ای که به حارث همدانی از یاران نامدارش می‌نویسد از جمله

مرقوم می‌دارد: در روز جمعه، مسافرت نکن تا بتوانی در نماز جمعه شرکت کنی، مگر این که کار واجبی (مانند جهاد) در راه خدا انجام دهی، یا به سراغ کاری بروی که شرعا معذور باشی.
۶- در خطبه (۱۳۱) از جمله می‌فرماید پروردگارا من نخستین کسی هستم که به حق رسید و آن را شنید و پذیرفت. به طوری که جز رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ کس در نماز بر من پیشی نگرفت .

۷- از همه جالب‌تر اینست که در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان، لحظه‌ای پیش از آنکه جان به جان آفرین تسلیم کند، ضمن وصیت تاریخی خود به فرزندان گرامیش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام از جمله می‌فرماید: خدا را، خدا را که برپا داشتن نماز را از یاد نبرید، زیرا نماز ستون دین است .

می‌دانیم که امیر المؤمنین (ع) در اینجا به سخن پیغمبر (ص) نظر داشته که فرموده است: نماز ستون دین است که اگر پذیرفته شد، سایر اعمال نیز بتبع آن پذیرفته می‌شود و اگر مقبول نیفتاد سایر اعمال دیگر بندگان هم مردود شناخته می‌شود .

نتیجه کلام این که علی علیه السلام در شب قدر یعنی بهترین شبهای سال، در حال نماز، ضربت خورد و در شب قدر هم با سفارش به اهمیت مقام نماز و دیگر ارکان اسلام، چشم از جهان

ظلمانی فرو بست و روح بلند پروازش به ملکوت اعلا پرواز کرد. کوئی در ان حال، زبان دل نورانش، به مضمون این ابیات لسان الغیب شیراز گویا بود:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب

مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

هاتف آن روز بمن مژده این دولت داد

که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند

در پایان سخن، بسیار بجاست که رباعی زیبا و پرشور فیلسوف نامی و حکیم ربانی جلال الدین

محقق دوانی را که از حکما و دانشمندان بلند آوازه اسلام در سده نهم هجری و قبلا از علمای

عامه بوده و در اواخر عمر، شیعه شده است بیاوریم و آن را هدیه شیفتگان مولای متقیان علی

(ع) کنیم.